

مطالعه توانمندسازی سیاسی شهروندان در سایه فناوری‌های نوین

علی پیران نژاد^۱، آرین قلی‌پور^۲

چکیده: در عصر حاضر، فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، ضمن فراهم آوردن امکانات و شرایطی خاص، توانسته‌اند بر میزان توانمندی‌ها و قابلیت‌های سیاسی شهروندان تأثیرگذار بوده و عرصه‌های نوینی را برای صاحب‌نظران و محققان، به‌منظور مطالعه و بررسی این تأثیرات ایجاد کنند. پژوهش پیش رو در تلاش است تا به شناسایی و تبیین تأثیرات گسترش و نفوذ این فناوری‌های نوین، بر توانایی‌های سیاسی شهروندان بپردازد. مطالعه حاضر بخشی از یک پژوهش کیفی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد است که شانزده نفر از صاحب‌نظران حوزه‌های اداره دولت و حکومت، فناوری اطلاعات و ارتباطات و علوم سیاسی با روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی انتخاب شده و در آن شرکت کرده‌اند. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده و همچنین از روش مقایسه‌ای مداوم استراوس و کوربین و نرم‌افزار NVIVO برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که گسترش و نفوذ فناوری‌های نوین در جوامع، از طریق سازوکارهای آگاهی‌بخشی سیاسی و مشارکت سیاسی، به توانمندسازی سیاسی شهروندان منجر می‌شود که مشروح هر یک آنها در این نوشتار تبیین شده است.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی سیاسی شهروندان، توسعه سیاسی، نظریه داده‌بنیاد، فناوری اطلاعات و ارتباطات.

۱. استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ایران

۲. دانشیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۰۵/۱۵

نویسنده مسئول مقاله: علی پیران نژاد

E-mail: Pirannejad@ut.ac.ir

مقدمه

در دوران معاصر، مردم‌سالاری یکی از بهترین شیوه‌های ادارهٔ جوامع است و هواداران فراوانی را در حوزه‌های علمی و اجرایی به خود جلب کرده است (هی و فینگ، ۲۰۰۸؛ اسمیت، ۲۰۰۹)؛ به‌گونه‌ای که در عصر حاضر، مشارکت و حضور آحاد مردم در فرایندهای سیاسی جوامع - که ازجمله ارکان اصلی مردم‌سالاری است - یک ضرورت شناخت‌شده و آن را سنگ‌پایهٔ مشروعیت، بقا و پایداری حکومت‌ها می‌دانند. در این ارتباط می‌توان به‌گفتهٔ نیکسون اشاره کرد که «تنها مردم قادرند مشکلاتی را که مردم ایجاد کرده‌اند، حل کنند.»^۱ (وریستون، ۲۰۰۴). به بیان دیگر، در دوران کنونی، دولت‌ها و حکومت‌ها با توجه به پیچیدگی‌های روزافزون مشکلات و مسائل جوامع، بدون مشارکت و همیاری شهروندان جامعه، یارای رسیدگی به تمامی امور مربوطه را نداشته و نیازمند همکاری و حضور پُررنگ‌تر مردم در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع هستند.

با توجه به مطالب بیان‌شده، حال این سؤال مطرح می‌شود که شهروندان جوامع باید از چه ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی برخوردار باشند، تا از حداقل‌های لازم برای حضور در عرصه‌های مختلف جوامع برخوردار بوده یا به‌گفته‌ای، از شرایط لازم برای ایفای نقش فعال‌تر در جامعهٔ خویش برخوردار باشند. برخی از صاحب‌نظران و اندیشمندان علوم سیاسی، برای پاسخ به این سؤال از مفهوم توانمندسازی سیاسی شهروندان نام برده‌اند و بر این باورند که شهروندان یک اجتماع، برای ایفای نقشی فعال و حضوری اثربخش در عرصه‌های گوناگون جوامع، نیازمند کسب یک‌سری توانمندی‌های لازم هستند که در عرصه‌های سیاسی از آن با عنوان توانمندسازی سیاسی یاد می‌کنند (روستتساری، ۲۰۰۶؛ گوشال و پروتو، ۲۰۰۹). به تعبیری دیگر، توانمندسازی سیاسی شهروندان، از جمله سازوکارهایی است که به‌مدد آن می‌توان تا حدودی انتقادهای وارد بر شکل‌گیری و تحقق مردم‌سالاری را از میان برداشت و زمینه را برای تعالی بخشی جوامع مهیا کرد.

در دوران معاصر که به‌درستی آن را عصر دیجیتال و انفجار اطلاعات می‌نامند با وجود مطالعات فراوانی که درخصوص تأثیرات نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر حوزهٔ سیاسی جوامع انجام گرفته است، متأسفانه فقدان مطالعه‌ای جامع که به تبیین چگونگی این تأثیرات بر شهروندان بپردازد، مشهود است و همین امر محققان پژوهش حاضر را بر آن داشت تا به مطالعه و بررسی در حوزهٔ مورد اشاره بپردازند. به بیان دیگر، مسئلهٔ اصلی پژوهش پیش رو، شناسایی سازوکارهایی است که فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به‌مدد آنها، زمینه را برای توانمندسازی سیاسی شهروندان فراهم می‌کنند. با توجه به نبود چارچوب نظری جامع درخصوص

1. Only people can solve problems people create

تیبین تأثیرات نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر شهروندان، در پژوهش حاضر از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد^۱ و نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی NVIVO نسخه نهم، برای شناسایی این تأثیرات استفاده شده است که در نهایت به ارائه یک چارچوب نظری در حوزه مذکور انجامیده است.

مبانی نظری پژوهش

توسعه سیاسی مفهومی است که پس از جنگ جهانی دوم، همزمان با استقلال کشورهای مستعمره، به‌منزله راه حلی از سوی اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی، برای توسعه هرچه بهتر و سریع‌تر سیستم‌های سیاسی کشورهای مذکور مطرح شد؛ ولی با گذشت زمان و با تغییر و تحولات متعددی که در جهان روی داد، سیستم‌های سیاسی تمامی کشورها ملزم به تغییر و هماهنگی با شرایط مذکور شدند و در نتیجه توسعه سیاسی کم‌کم به ضرورتی مهم برای تعالی بخشی به جوامع مبدل شد (پای، ۱۹۶۵).

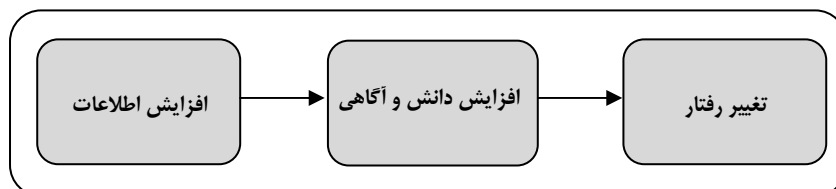
با توجه به مطالعات انجام‌شده، برخی از اندیشمندان نقش مردم و به‌ویژه تغییر و تحولاتی که در رفتار و نگرش‌های سیاسی ایشان ایجاد می‌شود را محور توسعه سیاسی دانسته و شماری دیگر، نقش دولت و به‌ویژه تغییر و تحولات سیستم‌های دولتی را در راستای افزایش شفافیت، پاسخ‌گویی و تحول در نظام خدمت‌رسانی، محور توسعه سیاسی جوامع دانسته‌اند. از آنجاکه موضوع این پژوهش مطالعه و بررسی تأثیرات نفوذ و گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بر توانمندسازی سیاسی شهروندان است، در ادامه به‌مرور مطالعات انجام‌شده در خصوص تأثیرات فناوری‌های اشاره شده بر مردم، در چارچوب فرایندهای توسعه سیاسی جوامع پرداخته می‌شود.

همان‌طور که پیشتر بدان اشاره شد، تغییر و تحولاتی که در رفتار و نگرش سیاسی مردم به‌واسطه افزایش دانش و آگاهی سیاسی ایشان رخ می‌دهد، از دسته عوامل اساسی توسعه سیاسی هر کشوری به‌شمار می‌رود. از جمله مهم‌ترین اشکال‌هایی که به حضور و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های سیاسی گرفته می‌شود، اینکه عامه مردم - که قشر اکثریت جوامع را تشکیل می‌دهند - از اطلاعات، دانش و تخصص لازم برای این چنین فعالیت‌هایی برخوردار نیستند و نمی‌توانند در این زمینه تصمیماتی بهینه‌ای اتخاذ کنند. به همین دلیل برخی از صاحب‌نظران بر این عقیده هستند که تصمیم‌گیری یک گروه اقلیت (نخبگان سیاسی، نمایندگان مردم، دولت‌مردان و...) به‌جای اکثریت مردم، به‌افزایش کیفیت تصمیم‌ها منجر خواهد شد

(روستتساری، ۲۰۰۶؛ گوشال و پروتو، ۲۰۰۹)؛ در حالی که در مباحث مربوط به توسعه سیاسی، بر مشارکت بیشتر مردم و پُررنگ‌تر شدن نقش ایشان در عرصه‌های مختلف سیاسی تأکید فراوان می‌شود. در این راستا، گروهی از اندیشمندان تلاش کرده‌اند تا به تدبیر راهکارهایی به‌منظور آماده‌سازی هرچه بیشتر مردم برای مشارکت سیاسی اثربخش‌تر ایشان بپردازند (سیلورمن، ۲۰۰۶؛ کولین و مک، ۱۹۹۶). از جمله مهم‌ترین آنها، توانمندسازی سیاسی مردم است که از دو مرحله تشکیل می‌شود. در وهله نخست باید با اتخاذ تدابیری اطلاعات، دانش و آگاهی سیاسی مردم افزایش یابد و در مرحله بعد، معیارهای صحیح انتخاب، تصمیم‌گیری بهینه و چگونگی حضور سیاسی اثربخش در اجتماع به ایشان آموزش داده شود (مانگوگو، ۲۰۰۳؛ شامی، ۲۰۰۵؛ زمان، ۲۰۰۷).

به‌واسطه پیشرفت‌های شگرفی که در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی روی داده، دسترسی همگان به اطلاعات در حوزه‌های گوناگون تسهیل شده است. به‌مدد فناوری‌های اشاره‌شده و به‌ویژه دنیای مجازی اینترنت، خواسته یا ناخواسته بر حجم اطلاعات شهروندان یک اجتماع، درخصوص حوادث و رویدادهای سیاسی، تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های سیاسی و فعالیت‌های سیاسی دیگر که در جامعه خود یا حتی در سطح جهانی اتفاق می‌افتد، افزوده می‌شود (لوپزینیکولاس و سوتواکوستا، ۲۰۱۰؛ پوجار، کامات، بانسود، کامات و کاتیگناوار، ۲۰۰۸). به بیان بهتر، سطح عمومی اطلاعات سیاسی مردم به‌واسطه این‌گونه فناوری‌ها ارتقا یافته است.

نکته حائز اهمیت در ارتقای سطح عمومی اطلاعات سیاسی مردم بر توانمندسازی سیاسی ایشان و درنهایت توسعه سیاسی جوامع، امکان تأثیرگذاری ارتقای سطح عمومی اطلاعات سیاسی مردم بر رفتارها، نگرش‌ها و تصمیم‌گیری‌های آنها است. درحقیقت زمانی می‌توان افزایش اطلاعات سیاسی مردم را بر توسعه سیاسی جوامع اثرگذار دانست که این امر، نقش مهمی در ارتقای سطح دانش و آگاهی مردم و درنهایت بر رفتار عملی ایشان داشته باشد (فنگ، جسفلد و هوپنبروورز، ۲۰۰۵؛ مگنیگبتو، ۲۰۱۰؛ لیدنر، ۲۰۱۰). گفتنی است که بر اساس مطالعات انجام‌شده در حوزه مدیریت رفتار و علوم سیاسی (نوردین، ۲۰۰۹؛ تیسای، کرانور و آکوئیستی، ۲۰۱۰)، فرایند اثرگذاری اطلاعات بر دانش و آگاهی و درنهایت رفتار افراد (شکل ۱)، فرایندی زمان‌بر بوده و در بلندمدت شاهد اثرات توسعه سطح عمومی اطلاعات سیاسی مردم بر دانش و آگاهی سیاسی و سرانجام رفتار سیاسی ایشان خواهیم بود. به‌گفته دیگر، توانمندسازی سیاسی مردم به‌مدد افزایش در سطح عمومی اطلاعات ایشان، فرایندی بلندمدت است.



شکل ۱. نمودار فرایند تبدیل اطلاعات بر دانش، آگاهی و رفتار

همان‌طور که اشاره شد، توانمندسازی سیاسی شهروندان، علاوه بر جنبه افزایش اطلاعات سیاسی ایشان، بُعد آموزشی را نیز شامل می‌شود. در واقع، زمانی می‌توانیم شهروندان را توانمندان سیاسی بدانیم که اطلاعات، دانش و آگاهی به‌دست‌آمده را در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی خود لحاظ کنند. برای این امر راهکارهایی معرفی شده که مهم‌ترین آنها، تمرین تصمیم‌گیری یا به‌گفته‌ای، آموزش فعالیت سیاسی در احزاب و گروه‌های سیاسی در چارچوب قوانین و مقررات کشورها است (بارتون، ۱۹۹۷؛ اولویلا و حسین، ۲۰۰۲). در واقع اندیشمندان، فعالیت مردم در احزاب سیاسی و برخی نیز مشارکت در سازمان‌های مردم‌نهاد را مرحله آموزشی و مقدماتی شهروندان، برای حضور اثربخش ایشان در عرصه‌های سیاسی جوامع معرفی می‌کنند؛ چراکه اعضای جامعه با شرکت در احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد، ابعاد گوناگون مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه خویش را شناخته و با نظرات و دیدگاه‌های گوناگون آشنا می‌شوند. در نهایت پس از آشنایی با اسلوب و چارچوب‌های مورد نیاز برای تصمیم‌گیری سیاسی اثربخش، آمادگی لازم برای حضور در عرصه‌های مهم سیاسی و اجتماعی جامعه را کسب می‌کنند. در این میان، ظهور و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر کمیت و کیفیت این فرایند آموزشی اثرگذار بوده و توانسته با ارائه امکانات گوناگون، فرایند مذکور را تسهیل بخشد. برای مثال می‌توان به فضاهای مجازی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، تالارهای گفت‌وگوی مجازی و مانند اینها اشاره کرد که از راه‌های مختلف، علاوه بر افزایش سطح اطلاعات مردم، زمینه را برای حضور هرچه بهتر آنها در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی فراهم کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه یک مطالعه کیفی، مبتنی بر روش نظریه داده‌بنیاد است. این روش از دسته روش‌های پژوهش استقرایی است که ریشه در واقعیت داشته و توضیحات حوادث را به همان‌گونه‌ای شرح می‌دهد که رخ داده است (استراس و کوربینف، ۲۰۰۸).

با وجود مطالعاتی که در زمینه تأثیرات نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر حوزه‌های سیاسی جوامع انجام شده است؛ ولی متأسفانه شمار اندکی از پژوهش‌ها به چگونگی اثرگذاری فناوری‌های اشاره شده بر شهروندان، در بافت سیاسی جوامع پرداخته‌اند و نبود یک چارچوب نظری جامع، محققان این پژوهش را بر آن داشت تا با استفاده از روش پژوهش کیفی، به تبیین تأثیرات نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر شهروندان، در بافت سیاسی جوامع بپردازند.

مشارکت‌کنندگان این پژوهش، شانزده نفر از صاحب‌نظران و محققان حوزه‌های علوم سیاسی، اجتماعی و مدیریت دولتی بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی انتخاب شدند. معیار انتخاب مصاحبه‌شوندگان، برخورداری از آثاری در ارتباط با سؤال پژوهش بوده است و با توجه به اینکه اطلاعات کاملی از فهرست این افراد موجود نبود، از مصاحبه‌شوندگان درخواست شد، چنانچه فرد دیگری را بر اساس معیار مطرح شده می‌شناسند، معرفی کنند تا در مصاحبه شرکت داده شوند. برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است که انعطاف‌پذیری و عمیق بودن از ویژگی‌های بارز آن بوده و مناسب پژوهش‌های کیفی است. مصاحبه‌ها با این سؤال باز آغاز می‌شد: «به نظر شما نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی چگونه بر توانمندسازی شهروندان در بافت سیاسی جوامع اثرگذار است؟»، سپس سؤال‌های بعدی بر اساس روند مصاحبه مطرح شد. هنگام انجام مصاحبه، محقق با سؤال‌های راهنما، صحت برداشت خود را از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان کنترل کرده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش استراس و کوربین و با استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی NVIVO نسخه نهم، همزمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام گرفته است. مدت زمان انجام مصاحبه‌ها، به‌طور میانگین بین ۴۵ تا ۱۰۵ دقیقه بوده و زمانی که داده‌ها به مرحله اشباع رسیدند، فرایند جمع‌آوری داده‌ها پایان یافت. مصاحبه‌های انجام شده به روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) که استراس و کوربین آن را توسعه دادند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

پژوهش حاضر برای افزایش تأییدپذیری داده‌ها، دو روش کنترل اعضا و بهره‌مندی از ناظران خارجی را مورد استفاده قرار داده است که از جمله روش‌ها و معیارهای اعتبارسنجی پژوهش‌های کیفی هستند. در روش نخست، طی دوره پژوهش، یافته‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفتند و از جانب ایشان کنترل و ارزیابی شدند. در روش دوم نیز مفاهیم، مقوله‌ها و طبقات استخراج شده با چند تن از ناظران خارجی (دو نفر از استادان صاحب‌نظر) و رویکردی انتقادی

مورد ارزیابی قرار گرفت تا اطمینان حاصل شود که مفاهیم، مقوله‌ها و طبقات استخراج شده، به درستی بیانگر نظرهای مطرح شده مشارکت‌کنندگان است.

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور بررسی درستی یا نادرستی فرضیه‌ها در هر نوع پژوهش اهمیت خاصی دارد. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری انجام شده است. بر این اساس، ابتدا متغیرها با کدگذاری باز شناسایی شده‌اند. به هر کدام از کدهای استخراج شده در مرحله اول یک نشانگر اختصاص داده شد. نشانگرها عبارتند از: یک پیشوند ثابت (P)، یک حرف که نشان‌دهنده شماره مصاحبه است (از حرف A تا K) و یک عدد که بیانگر شماره کد مصاحبه مورد نظر است (برای نمونه PD45 مصاحبه شماره چهار یا D، کد چهل و پنجم). مرحله دوم کدگذاری با عنوان کدگذاری محوری، بر اساس تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مستمر روی متن مصاحبه‌ها و ارتباط بین کدهای اولیه انجام شد. در پایان این مرحله، در کدگذاری محوری و از تلفیق کدهای مرتبط، مفاهیم شکل گرفتند. سپس در مرحله سوم، کدگذاری انتخابی به صورت تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای انجام گرفت و مقوله‌ها از ترکیب مفاهیم مرحله قبل ایجاد شدند. تأثیر و تأثر مقوله‌ها با رجوع به متن داده‌های اولیه و تحلیل روابط بیان شده، استخراج و الگوی نهایی ایجاد شد. در مجموع ۱۰۶ کد اولیه (بدون تکرار) استخراج شدند که از ترکیب این تعداد، شش مفهوم شکل گرفت. مقوله‌هایی که در فرایند کدگذاری انتخابی الگوی نهایی را ایجاد کردند، به همراه مفاهیم تشکیل‌دهنده این مقوله‌ها، در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده از فرایند کدگذاری

مفاهیم	مقوله‌ها	
اطلاعات دیجیتالی con 5 احزاب سیاسی con 3 شبکه‌های مجازی con 1	آگاهی بخشی سیاسی	Cat 01
تصمیم‌گیری الکترونیکی con 2 مشارکت الکترونیکی con 4 نظارت الکترونیکی con 6	مشارکت سیاسی	Cat 02

در بین مصاحبه‌های انجام شده در ارتباط با تأثیرات نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر توانمندسازی سیاسی شهروندان، شش مفهوم مورد شناسایی قرار گرفت که در ادامه

به تشریح هر یک از آنها و نیز، ذکر نمونه‌ای از نظرات و مطالب بیان‌شده مشارکت‌کنندگان در پژوهش، اشاره می‌شود.

اطلاعات دیجیتالی

صاحب‌نظران شرکت‌کننده در این پژوهش در مورد امکانات و تسهیلاتی که به‌وسیله فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، به‌ویژه اینترنت، در راستای افزایش دسترسی همگان به حجم انبوهی از اطلاعات و افزایش سطح آگاهی و دانش در اختیار شهروندان قرار داده شده است، توضیحاتی را بیان کردند. همچنین در مورد مطالب گوناگون در قالب اطلاعات الکترونیکی همچون روزنامه‌ها، مجله‌ها، کتاب‌های دیجیتالی و وبلاگ‌ها، وبسایت‌ها، تالارهای گفت‌وگوی دیجیتالی و درنهایت بر سطح اطلاعات و آگاهی سیاسی شهروندان، به‌منزله یکی از ارکان اساسی توانمندسازی سیاسی شهروندان، تأکید داشتند. در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد که:

«در دوران معاصر، شهروندان یک جامعه با وارد کردن یک کلیدواژه در موتورهای جست‌وجوی موجود، انبوهی از اطلاعات را در صفحات متعدد دنیای مجازی به‌دست می‌آورند. پس از ظهور اینترنت، دیگر ارائه و دسترسی به اطلاعات از حالت انحصاری (رادیو و تلویزیون) خارج شد و تمامی افراد توانستند به‌صورت دریافت‌کننده یا ارسال‌کننده اطلاعات، ایفای نقش کنند. درحقیقت موج دسترسی به اطلاعات و آگاهی در تمام اقشار و لایه‌های جوامع گسترش یافت.»

شبکه‌های اجتماعی مجازی

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش بر این نکته تأکید داشتند که پیشرفت‌های چشمگیر در فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، منجر به ظهور نوع جدیدی از شبکه‌های اجتماعی شده‌اند که به‌صورت مجازی بوده و زمینه را برای تسهیل ارتباطات اجتماعی که از عوامل مهم توانمندسازی سیاسی شهروندان است، فراهم آورده‌اند؛ چراکه شهروندان به‌مدد استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته و با بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی، نظرها، ایده‌ها، افکار و نگرش‌های خود را با دیگران درمیان گذاشته و از عقاید دیگران در ارتباط با موضوعات گوناگون آگاه می‌شوند. این امر در قالب یک فرایند آموزشی، زمینه را برای تعدیل، اصلاح و بهبود نظرها، ایده‌ها، افکار و نگرش‌های افراد فراهم می‌کند که به نوبه خود عامل مهمی در توانمندسازی شهروندان، به‌ویژه در حوزه‌های سیاسی است. برای نمونه یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره بیان کرد که:

«امروزه می‌توانیم از کتاب‌ها، فیلم‌ها، سلیقه‌ها و عقیده‌های یکدیگر استفاده کنیم و آنها را با دوستان دیگرمان به‌اشتراک بگذاریم؛ آن هم با چند کلیک. در حالی که این کارها، پیش از این

بسیار وقت‌گیر بودند و نیاز به حوصله فراوانی داشتند و همه اینها درنهایت، به رشد فکری و تکامل دسته‌جمعی کاربران و توسعه پیوندهای اجتماعی کمک می‌کند.

احزاب سیاسی

نتایج تحلیل‌های انجام‌شده این پژوهش، حاکی از آن است که شرکت‌کنندگان بر نقش و جایگاه احزاب سیاسی در توسعه فرهنگ سیاسی که سرانجام به توسعه سیاسی جوامع می‌انجامد، تأکید داشتند. اغلب ایشان به این نکته اشاره می‌کردند که احزاب سیاسی و توسعه آنها، بهترین فرصت را برای آموزش‌های مربوط به فعالیت بیشتر و اثربخش‌تر شهروندان در جامعه و به‌ویژه در فعالیت‌های سیاسی فراهم می‌آورند و درنهایت موجب توانمندسازی سیاسی شهروندان می‌شوند. به باور ایشان پیشرفت‌های شگرف در حوزه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، همچون کاتالیزوری در جهت تقویت و توسعه احزاب سیاسی در جوامع، ایفای نقش می‌کنند.

«تکنولوژی‌های ارتباطی همچون تلفن همراه، اینترنت، پیامک و مانند اینها، زمینه را برای ایجاد و توسعه هرچه بیشتر این هم‌اندیشی‌ها و تشکل‌ها و احزاب مهیا می‌کنند. برای مثال فراخوان‌ها، دعوت‌نامه‌ها و... از طریق این فناوری‌های به‌سرعت هرچه تمام‌تر و با کمترین هزینه در اختیار تعداد زیادی از افراد قرار می‌گیرد که در مقایسه با سیستم سنتی اطلاع‌رسانی، زمینه مشارکت را برای تعداد بیشتری از افراد در احزاب و تشکلات سیاسی فراهم می‌آورد».

تصمیم‌گیری الکترونیکی

صاحب‌نظران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر با تأکید بر امکاناتی که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در راستای سهولت تصمیم‌گیری از جانب شهروندان مهیا می‌کنند، بر نقش مهم این فناوری‌ها در حضور پُررنگ‌تر و نقش فعال‌تر شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به جامعه اشاره کردند و بیان داشتند که این فناوری‌ها در دست یافتن به حق حاکمیتی مردم یاری می‌رسانند. نتایج تحلیل داده‌های حاصل از پژوهش، حاکی از آن است که بخشی از کدهای استخراج‌شده از متن مصاحبه‌ها، در ارتباط مستقیم با افزایش امکان تصمیم‌گیری شهروندان در امور مربوط به جامعه خویش از طریق امکانات و تسهیلاتی است که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی فراهم کرده‌اند و به همین دلیل کدهای اشاره‌شده، در قالب مفهومی با عنوان تصمیم‌گیری الکترونیکی به یکدیگر ارتباط داده شده‌اند. برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان درخصوص تأثیرات فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر آگاه‌شدن مردم از حق حاکمیت خود در جامعه، چنین بیان می‌کند:

«در عصر انقلاب اطلاعات، شهروندان از حقوق مدنی خود، همچون حق حاکمیتی خویش، بیشتر مطلع شده و تکنولوژی‌های پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطی با فراهم آوردن تسهیلاتی ویژه، زمینه را برای بهره‌مندی شهروندان از این حقوق مهیا می‌کنند و در نهایت منجر به مشارکت هرچه بیشتر ایشان در عرصه‌های گوناگون جوامع می‌شوند».

نظارت الکترونیکی

صاحب‌نظران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر با تأکید بر امکانات و تسهیلاتی که تکنولوژی‌های پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطی در افزایش توان نظارتی شهروندان به‌همراه داشته‌اند، بر نقش مهم این تکنولوژی‌ها در توانمندسازی سیاسی شهروندان نیز اشاره کردند و بر این باور بودند که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی با افزایش دسترسی شهروندان به حجم زیادی از اطلاعات به‌روز در بیست و چهار ساعت شبانه‌روز و هفت روز هفته، با ملزم کردن سازمان‌های دولتی کشور و دست‌اندرکاران مربوطه به ارائه اطلاعات و افزایش پاسخ‌گویی و شفافیت بیشتر در فعالیت‌ها و عملکرد خود، نقش مهمی در توانمندسازی شهروندان به‌عهده دارند.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که بخشی از کدهای استخراج شده از مصاحبه‌های انجام‌شده در ارتباط مستقیم با افزایش توان نظارتی و کنترلی شهروندان، از طریق امکانات و تسهیلاتی است که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در اختیار آنها قرار گذاشته است و به همین دلیل کدهای اشاره‌شده، در قالب مفهومی با عنوان نظارت و کنترل الکترونیکی به یکدیگر ارتباط داده شدند. برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان در این رابطه چنین بیان کرد که:

«در دنیای امروز، مردم به‌واسطه اینترنت و ارتباطات اجتماعی گسترده، به اطلاعات زیادی درخصوص عملکرد مسئولان سازمان‌های دولتی دسترسی پیدا کرده‌اند. درواقع، نفوذ و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، به‌منزله ابزار و امکانی نوین، چشم شهروندان را به وقایعی که در اطراف آنها، به‌ویژه در حوزه سیاسی جوامع اتفاق می‌افتد، گشوده و زمینه را برای تمرکز و نظارت بیشتر بر ابعاد مختلف فعالیت‌ها و عملکرد مسئولان و سازمان‌های دولتی فراهم آورده است».

مشاوره الکترونیکی

مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، ضمن تأکید بر امکانات و تسهیلاتی که فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطی در بهره‌مندی از نظرها، ایده‌ها و مشورت‌های شهروندان فراهم کرده‌اند، بر این باورند که این فناوری‌ها با افزایش امکان تعاملات دولت‌ها و حکومت‌ها با مردم،

زمینه را برای برقراری ارتباطات سازنده ملت - دولت مهیا می‌کند و بدین‌گونه در شهروندان حس تعهد به جامعه خویش را تقویت کرده و آنها را ترغیب می‌کنند تا ایده‌ها و نظریاتشان را در ارتباط با مسائل و مشکلات جامعه خویش با دست‌اندرکاران مربوطه، در میان بگذارند.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش، حاکی از آن است که بخشی از کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، در ارتباط مستقیم با ارزش‌گذشتن به نظرها و ایده‌های شهروندان و افزایش تعاملات مشاوره‌ای شهروندان با سازمان‌ها و مسئولان مربوطه در جامعه است که از طریق نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در جوامع میسر شده‌اند. به همین دلیل کدهای اشاره‌شده در قالب مفهومی با عنوان مشاوره الکترونیکی به یکدیگر پیوند داده شدند. برای مثال یکی از صاحب‌نظران در این رابطه چنین بیان کرد که:

«در تمامی پروژه‌های دولت الکترونیک بخشی برای دریافت نظرها، ایده‌ها، پیشنهادها و انتقادات وجود دارد و حتی در برخی از آنها تالارهای گفت‌وگوی مجازی نیز طراحی شده که شهروندان را به بیان نظرها و ایده‌های خود در زمینه‌های گوناگون ترغیب می‌کند».

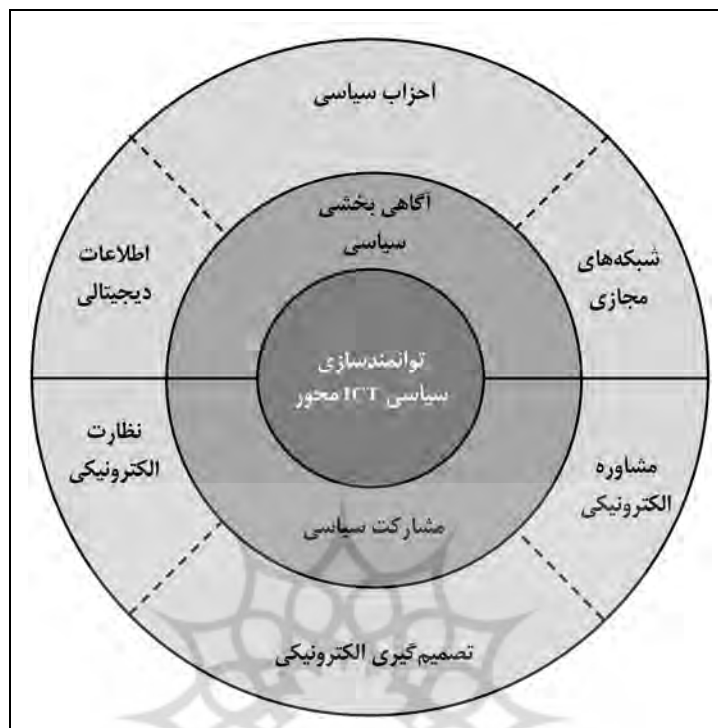
مقوله‌های مرتبط با توانمندسازی سیاسی ICT محور

پس از دسته‌بندی کدهای استخراج‌شده در قالب مفاهیم فوق‌الذکر، مرحله کدگذاری انتخابی آغاز می‌شود که در طول این فرایند، محقق با بهره‌گیری از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی، به دنبال ارتباط بین مفاهیم شناسایی‌شده با یکدیگر پرداخت که در نهایت به شکل‌گیری دو مقوله با عناوین «آگاهی بخشی سیاسی» و «مشارکت سیاسی» منجر شد. همان‌طور که در بخش پیش اشاره شد، در حوزه تأثیرگذاری و نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر حوزه‌های سیاسی جوامع، شش مفهوم محوری در این پژوهش مورد شناسایی قرار گرفت که از میان آنها، مفاهیم «شبکه‌های مجازی»، «احزاب سیاسی» و «اطلاعات دیجیتالی» بیان‌کننده تأثیرات نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر سطح آگاهی و اطلاعات سیاسی شهروندان هستند. به بیان دیگر، مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، بر این باور بودند که فناوری‌های اشاره‌شده با ارائه امکانات و تسهیلاتی ویژه، زمینه را برای توسعه فعالیت‌های احزاب سیاسی در جوامع، افزایش تعاملات اجتماعی و همچنین افزایش دسترسی همگان به اطلاعات فراهم کرده‌اند. با تأملی بر مفاهیم بیان‌شده، به این مطلب اذعان خواهیم کرد که مجموعه تأثیرات نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در ارتباط با سه مفهوم ذکر شده، به نوعی بر شکل‌گیری و تقویت سطح آگاهی سیاسی شهروندان به‌منزله یکی از ارکان اساسی توانمندسازی جوامع تأثیرگذار بوده، یا به بیانی دیگر، نقش فناوری‌های مذکور را بر

آگاهی بخشی سیاسی در جوامع نشان می‌دهد. به همین دلیل مفاهیم اشاره شده در قالب مقوله‌ای با عنوان آگاهی بخشی سیاسی با هم مرتبط شده و به اصطلاح در سطحی بالاتر با یکدیگر پیوند داده شدند.

سه مفهوم دیگری که در حوزه تأثیرگذاری نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر حوزه‌های سیاسی جوامع استخراج شدند، عبارتند از: مشاوره الکترونیکی، تصمیم‌گیری الکترونیکی و نظارت الکترونیکی. همان‌طور که مشاهده می‌شود و با توجه به نظراتی که مشارکت‌کنندگان در قالب کدهای مربوطه بیان داشتند، مفاهیم مذکور هر یک به نوعی بر فعالیت‌ها و مشارکت سیاسی شهروندان در جامعه خویش تأکید داشتند و درحقیقت محور مفاهیم مذکور، تأثیرگذاری نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر مشارکت و کنش سیاسی شهروندان در جامعه است که به همین دلیل، سه مفهوم مذکور در قالب مقوله‌ای با عنوان مشارکت سیاسی که بازگوکننده تأثیرگذاری نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر مشارکت و کنش سیاسی شهروندان در جامعه است، دسته‌بندی و معرفی شدند.

پس از آنکه فرایند کدگذاری باز و محوری انجام شد و مفاهیم و مقوله‌های مرتبط شناسایی شدند، در مرحله سوم از فرایند کدگذاری (کدگذاری انتخابی)، محققان تلاش کردند تا به ارتباط میان دو مقوله آگاهی بخشی سیاسی و مشارکت سیاسی پی برده و سرانجام این دو مقوله را در قالب یک مقوله محوری و اصلی دسته‌بندی کنند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، شش مفهوم شناسایی شده، به همراه دو مقوله فرعی که پیش از این به آنها اشاره شده، همگی به نوعی در بردارنده موضوعات و مطالبی در ارتباط با نقش گسترش و نفوذ فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر سطح اطلاعات و آگاهی سیاسی شهروندان و همچنین آماده‌سازی و آموزشی شهروندان برای تصمیم‌گیری صحیح، مشارکت سیاسی و حضور پررنگ‌تر در عرصه‌های گوناگون جامعه هستند، از این رو، مقوله‌ای با عنوان توانمندسازی سیاسی ICT محور، به منزله مقوله اصلی انتخاب شد که در واقع، پیونددهنده دو مقوله فرعی ذکر شده و همچنین در لایه‌های سطحی‌تر، پیونددهنده مفاهیم استخراج شده است (شکل ۲).



شکل ۲. عوامل مؤثر بر توانمندسازی سیاسی ICT محور

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش پیش رو تلاش کرده است تا با ارائه الگویی جامع، به تبیین تأثیرات نفوذ و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر توانمندسازی سیاسی شهروندان جوامع بپردازد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که نفوذ و گسترش تکنولوژی‌های اشاره شده با تأثیرگذاری بر دو مقوله مهم «آگاهی بخشی سیاسی» و «مشارکت سیاسی»، بر فرایند توانمندسازی سیاسی شهروندان مؤثر هستند. آگاهی بخشی سیاسی بیان‌کننده تأثیرات فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر میزان اطلاعات، آگاهی و دانش سیاسی شهروندان و نیز، تعدیل، اصلاح و بهبود نظرها، ایده‌ها، افکار و نگرش‌های سیاسی افراد جامعه است که از جمله عوامل اساسی در فرایند توانمندسازی سیاسی شهروندان به‌شمار می‌روند. این بخش از یافته‌های پژوهش، در تأیید پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با نقش کلیدی اطلاعات، آگاهی و دانش شهروندان، بر فرایند توسعه سیاسی جوامع است. به‌گفته دیگر، مطالعات انجام شده بیانگر این مهم هستند که جوامعی که از شهروندانی با سطح اطلاعات و آگاهی بیشتری برخوردار هستند،

در مقایسه با سایر جوامع، از میزان توسعه‌یافتگی بیشتری، به‌ویژه در حوزه‌های سیاسی برخوردارند (مکینتاش، ۲۰۰۴؛ ماهر و کریم‌مر، ۲۰۰۵). مقوله مشارکت سیاسی بیانگر فعالیت‌ها و کنش‌های سیاسی شهروندان در جامعه است که در قالب مشاوره، نظارت و تصمیم‌گیری نمود می‌یابد. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها، بیانگر این مهم است که گسترش استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی با ارائه تسهیلات و امکاناتی ویژه، زمینه را برای توسعه و تقویت مشارکت سیاسی شهروندان - که یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توانمندسازی سیاسی شهروندان و توسعه سیاسی جوامع است - فراهم می‌کند.

یافته دیگر این پژوهش پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، از طریق سه سازوکار اطلاعات دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی مجازی و احزاب سیاسی، در افزایش میزان آگاهی سیاسی شهروندان جامعه تأثیرگذار هستند که البته صاحب‌نظران شرکت‌کننده، آگاهی بخشی از طریق سازوکار اینترنت و فضای مجازی را مهم‌ترین شیوه تأثیرگذاری فناوری‌های اشاره‌شده بر فرایند توانمندسازی سیاسی در نظر گرفته‌اند که مطالعات انجام‌شده در ارتباط با نقش کلیدی اینترنت در آگاهی بخشی به شهروندان و همچنین در تسریع فرایند توسعه سیاسی، این یافته پژوهش را تأیید می‌کنند. به بیان دیگر، نتایج مطالعات پیشین در ارتباط با نقش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در تعالی بخشی جوامع، اینترنت و فضای مجازی را یکی از اصلی‌ترین تسهیلات و امکانات تکنولوژیکی می‌دانند که بر عرصه‌های گوناگون جوامع تأثیرگذار است (مدون، ۲۰۰۰).

نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه صاحب‌نظران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، حاکی از آن بود که توسعه و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در جوامع، از طریق تأثیرگذاری بر میزان اطلاعات، سطح آگاهی و دانش جوامع بشری، به آگاهی سیاسی شهروندان و درنهایت، توانمندسازی سیاسی شهروندان و توسعه سیاسی جوامع می‌افزاید که این یافته نیز با مطالعات انجام‌شده در زمینه جایگاه و نقش والای اطلاعات، آگاهی و دانش سیاسی در توسعه سیاسی جوامع همسو بوده و بیانگر این مهم است که جوامعی که شهروندانی با سطح اطلاعات، آگاهی و دانش بالاتری دارند، از میزان توسعه‌یافتگی بیشتری، به‌ویژه در عرصه‌های سیاسی نیز برخوردار هستند (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه سازمانی، ۲۰۱۰؛ پردانا، ۲۰۱۰).

از دسته معیارهای دیگر تأثیرگذار فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر فرایند توانمندسازی سیاسی که از تحلیل داده‌های پژوهش به‌دست آمده است، تأثیرگذاری نفوذ و گسترش فناوری‌های اشاره‌شده بر فعالیت احزاب سیاسی بود که یکی از مناسب‌ترین و شایسته‌ترین فضاها برای تمرین سیاسی در جهت آموزش مهارت‌های کافی برای ورود به عرصه‌های تصمیم‌گیری

هر کشور هستند. به گفته‌ای، نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش بیانگر این مهم است که گسترش فناوری‌های مذکور در جوامع با فراهم آوردن امکانات و تسهیلاتی ویژه، بر کمیت و کیفیت فعالیت‌های احزاب سیاسی تأثیر گذاشته و درنهایت، به آموزش و توسعه توانایی‌ها و مهارت‌های سیاسی شهروندان و توانمندسازی سیاسی ایشان برای حضور مؤثرتر در عرصه‌های گوناگون سیاسی جامعه، منجر خواهد داشت.

بر اساس ضرورتی که تقویت احزاب سیاسی در توانمندسازی سیاسی شهروندان بر عهده دارد، پیشنهاد می‌شود که مسئولان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تصویب قوانینی حمایتی، زمینه را برای توسعه و تقویت احزاب سیاسی در کشور فراهم کنند. همچنین به مسئولان اجرایی نیز توصیه می‌شود تا فرایندهای زائد اداری را، به‌منظور هرچه بیشتر کردن فعالیت‌های احزاب سیاسی کاهش دهند.

نتایج تحلیل نظرات شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، بیانگر تأثیرگذاری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر پیوندهای اجتماعی از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی مجازی است که یکی از معیارهای اساسی پیوندهای اجتماعی و توسعه‌یافتگی جوامع، به‌ویژه در حوزه‌های سیاسی به‌شمار می‌رود. به بیان دیگر، فناوری‌های اشاره‌شده از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی مجازی و با فراهم آوردن امکانات و تسهیلاتی ویژه، زمینه را برای افزایش تعاملات و ارتباطات اجتماعی بین شهروندان جامعه و رفع محدودیت‌هایی که مانع ادامه مسیر ارتباط بین شهروندان است، فراهم می‌آورد.

بر همین اساس و با توجه به ضرورت تعاملات اجتماعی شهروندان در فضای مجازی، باید شبکه‌های اجتماعی بومی، به‌منظور تقویت تعاملات میان شهروندان در کشور راه‌اندازی شده و همچنین از سوی دست‌اندرکاران و سازمان‌های مربوطه نیز، مورد حمایت واقع شوند. البته گفتنی است که هم‌اکنون، نمونه‌هایی از این شبکه‌های اجتماعی مجازی کشور در حال فعالیت هستند که متأسفانه به‌دلایلی چون، محدودیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، آن‌گونه که شبکه‌های اجتماعی فراملی دیگر مورد استقبال عمومی واقع شده‌اند، مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه با صاحب‌نظران شرکت‌کننده، نشان داد که توسعه و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی با فراهم آوردن امکانات و تسهیلاتی ویژه، زمینه‌ساز اعمال حق حاکمیت شهروندان در قالب مشارکت سیاسی ایشان، به‌صورت مشاوره الکترونیکی، نظارت الکترونیکی و تصمیم‌گیری الکترونیکی هستند. پیشرفت‌های چشمگیر در این‌گونه فناوری‌ها، موجب شده تا شهروندان بر عملکرد دولت‌ها و حکومت‌ها تمرکز و نظارت بیشتری داشته باشند و از سوی دیگر، مسئولان دولتی را ملزم به ارائه اطلاعات بیشتر در راستای افزایش شفافیت و

پاسخ‌گویی در ارتباط با عملکرد خود به مردم کرده است. ضمن آنکه فناوری‌های مذکور با دراختیار گذاشتن تسهیلاتی ویژه، امکان مشارکت سیاسی تمامی شهروندان یک جامعه را در تصمیم‌گیری‌های مربوطه فراهم کرده‌اند که در نهایت، به افزایش توانایی و قدرت اعضای جوامع برای تصمیم‌گیری در مورد جامعه و سرنوشت خویش منجر می‌شود که آن نیز، از جمله عوامل کلیدی توانمندسازی سیاسی شهروندان است.

با توجه به مطالبی که بیان شد، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های دولتی کشور، به‌منظور ترویج مشارکت الکترونیکی شهروندان به تقویت و توسعه درگاه‌های الکترونیکی خود که رابط مجازی میان شهروندان و دولت‌مردان است، بپردازند و همچنین با برگزاری دوره‌هایی کوتاه‌مدت، نگرش مدیران عالی سازمان را نسبت به این درگاه‌ها، در راستای حمایت همه‌جانبه از آنها اصلاح کنند؛ چرا که دیدگاه مدیران عالی‌رتبه سازمان‌ها، به‌همراه سرمایه‌گذاری در بخش ساخت‌افزایی و نرم‌افزاری مورد نیاز این درگاه‌ها، از جمله چالش‌های پیش روی پروژه‌های دولت الکترونیک در کشور است.

منابع

- Barton, J. R. (1997). New Paths of Democratic Development in Latin America: The Rise of NGO. *Political Geography*, 16(6): 523-524.
- Collins, N., and Mack, M. (1996). Public participation and risk taking: a case study of farm households. *International Journal of Social Economics*, 23(12): 15-29.
- Feng, L., Jeusfeld, M.A., & Hoppenbrouwers, J. (2005). Beyond information searching and browsing: acquiring knowledge from digital libraries. *Information Processing and Management*, 41(1): 97-120.
- Ghosal, S. & Proto, E. (2009). Democracy, collective action and intra-elite conflict. *Journal of Public Economics*, 93(9-10): 1078-1089.
- He, K. and Feng, H. (2008). A Path to Democracy: in Search of China's Democratization Model. *Asian Perspective*, 32(3): 139-169.
- La Palombara, J. (1963). *Bureaucracy and Political Development*. Princeton, N.J.: Princeton University Press.
- Leidner, D. E. (2010). Globalization, culture, and information: Towards global knowledge transparency. *Journal of Strategic Information Systems*, 19(2): 69-77.

- Lopez-Nicolas, C., and Soto-Acosta, P. (2010). Analyzing ICT adoption and use effects on knowledge creation. *International Journal of Information Management*, 30(6): 521-528.
- Macintosh, A. (2004). Characterizing E-Participation in Policy-Making. *Proceedings of the 37th Hawaii International Conference on System Sciences*, Big Island, Hawaii.
- Mahrer, H. and Krimmer, R. (2005). Towards the enhancement of e-democracy: identifying the notion of the 'middleman paradox'. *Info Systems Journal*, 15(1): 27-42.
- Megnigbeto, E. (2010). Information policy: Content and challenges for an effective knowledge society. *The International Information & Library Review*, 42(3): 165-170.
- Mungongo, C. G. (2003). Social transformation and Political empowerment in the Age of Globalization. *Nordic Journal of African Studies*, 12(2): 119-133.
- Nordin, M. (2009). The effect of information on voting behavior, Working paper, Uppsala University.
- OECD (2010). *Are the New Millennium Learners Making the Grade? Technology Use and Educational Performance in PISA*, <http://browse.oecdbookshop.org/oecd/pdfs/browseit/9609101E.PDF>.
- Perdana, A. (2010). ICT, Knowledge Society, and Good Governance. *IEEE/IET Electronic Library (IEL)*. Available: http://ieeexplore.ieee.org/xpls/abs_all.jsp?arnumber=5561597.
- Pujar, S. M., Kamat, R. K., Bansode, S. Y., Kamat, R. R., & Katigennavar, S. H. (2008). Identifying and exploiting human needs for a people centric evolving knowledge society: A case study of Indian ICT Emergence. *The International Information & Library Review*, 40(3): 165-170.
- Pye, L. W. (1965). The Concept of Political Development. *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 358: 1-13.
- Ruostetsaari, I. (2006). Elites and Democracy: Are they Compatible? in *Dr Fredrik Engelstad (ed.) Comparative Studies of Social and Political Elites (Comparative Social Research, Volume 23)*, Emerald Group Publishing Limited, PP.265-274.

- Shami, A. A. (2005). Political Empowerment of Women in Pakistan. *Pakistan Vision*, 10(1): 141-151.
- Silverman, R. M. (2006). Central city socio-economic characteristics and public participation strategies: A comparative analysis of the Niagara Falls region's municipalities in the USA and Canada", *International Journal of Sociology and Social Policy*, 26 (3/4): 138-153.
- Smith, A. E. (2009). Legitimate Grievances Preferences for Democracy, System Support, and Political Participation in Bolivia. *Latin American Research Review*, 44(3): 102-126.
- Strauss, A., and Corbin, J. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Tsai, J.S.E., Cranor, L. & Acquisti, A. (2010). The Effect of Online Privacy Information on Purchasing Behavior: An Experimental Study, *Information Systems Research*, 24(1): 86-99.
- Ulvila, M. & Hossain, F. (2002). Development NGOs and Political Participation of the Poor in Bangladesh and Nepal. *Volunteers: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 13(2): 149-163.
- Wriston, W. (2004). Freedom and democracy in the Information Age. *Technology in Society*, 26(2-3): 321-325.
- Zaman, F. (2007). The Nature of Political Empowerment and Gender in Local Governance: A Comparative Study of Dhaka City Corporation and Narayanganj Municipality. *Bangladesh e-Journal of Sociology*, 4(1): 49-72.